



GazelleCG.com

۹ چالش متداول مدیران در کسب و کارها در ایران + به همراه پادکست

در این مقاله به نه چالش متداول که مدیران ایران در کسب و کارشان معمولاً با آن روبرو هستند، خواهیم پرداخت. علاوه بر اینکه می توانید این مقاله را بخوانید، پادکستی نیز در همین زمینه تهیه شده است که در صورت تمایل می توانید به جای خواندن این مقاله، پادکست زیر را بشنوید.

[audio mp3="https://gazellecg.com/wp-content/uploads/2022/07/CHFF.mp3"][/audio]

همچنین در مورد راهکار جامع سازمانی مدیریت هوشمند استراتژیک (SSM) بخوانید.

این مطلب را هم بخوانید:

چگونه سودآوری و عملکرد کسب و کارمان را افزایش دهیم؟

کلیک کنید



سال‌ها تجربه مشاوره مدیریت و تعامل با مدیران کسب و کارها و سازمان‌های مختلف، به ما نشان داده است که اغلب مدیران ارشد در سازمان‌ها با ۹ چالش مرسوم دست به گریبان هستند که ما در این مقاله به این ۹ چالش می‌پردازیم و در پایان نیز راه‌حلی پیشنهاد می‌شود که به وسیله آن می‌توانید بر این ۹ چالش پیروز شوید.

۹ چالش متداول مدیران:

۱. لزوم نظارت مستقیم مدیران در امور روزمره

حتما این جمله را بارها و بارها شنیده‌اید که بعضی از مدیران زیاد تکرار می‌کنند: **تا خودت بالای سر کارت نباشی، کارها انجام نمی‌شود** و یا حداقل آن جوری که باید انجام بشود، نمی‌شود. این اولین چالشی هست که مدیران با آن روبرو هستند.

۲. نظارت مدیران بر سازمان

دومین چالش مدیران این است که **اگر نظارت خودشان کم بشود، معمولاً نرخ رضایت مشتریان کاهش پیدا می‌کند**. این عدم رضایت علل مختلفی دارد ولی در نهایت مربوط می‌شود به این موضوع که بخش‌هایی از سازمان، کارکنان عملکرد مورد انتظار را از خودشان نشان ندادند. به عنوان مثال در تحویل محصول به مشتری، بدقولی پیش آمده و دلایلی مثل این.

۳. عملکرد پایین بخش‌هایی از سازمان

سومین چالش، عملکرد پایین کارکنانی که این مدیران همیشه از آنها شاکی هستند. **دلایل این عدم رضایت هم معمولاً بر می‌گردد به اینکه ما شاخص‌های درستی برای ارزیابی عملکرد کارکنان نداریم و نمی‌تونیم کارایی آنها را بسنجیم**. حالا چه برسد به اینکه بگوییم عملکرد آنها پایین یا بالاست.



۴. مشغله زیاد مدیران



چهارمین چالش مدیران این است که به دلیل مشغله بسیار زیاد که بر اثر درگیری خیلی خیلی زیاد آنها در کارهای جاری و روزمره سازمان به وجود آمده، تعادلش را در زندگی از دست دادند و متاسفانه در برخی تجارب، ما مشاهده کردیم که دو ماه از درد مزمن و شدید در پای مدیر ارشد سازمان گذشته و می گوید، فرصت ندارم تا دکتر بروم.

یا در جایی مدیری گفته یک سال است فرصت نکردم خانواده ام را ببرم باغی که در خارج از شهر دارم. این مدیران گله دارند از اینکه پول دارند، اما هیچ فرصتی برای لذت بردن از ثروتشان ندارند و متاسفانه در برخی موارد ما شاهد این هستیم که در زندگی شخصی و خانوادگی شان با چالش های فراوانی روبرو هستند.

۵. نداشتن وقت کافی

پنجمین چالش این مدیران مربوط می شود به اینکه آنها نمی توانند روی اهداف و برنامه های بلند مدت و توسعه ای کسب و کارشان وقت کافی بگذارند. به دلیل اینکه تمام فکر و ذکر آنها انجام امور جاری سازمان هست. اگر خوب دقت کنید در این سازمان ها؛ مدیران ارشد، بالاترین میزان ساعات کاری را دارند و به همین ترتیب که در چارت سازمانی پایین می آید، عملکرد و راندمان به شدت کاهش پیدا می کند.



۶. کمبود منابع انسانی شایسته

ششمین چالش این مدیران، **کمبود منابع انسانی شایسته** است. اگر کمی توجه کنید این مدیران اغلب از نبود نیروی انسانی کارآمد شاکی هستند. اما به این نکته بی توجه هستند که **نیروهای انسانی شایسته در سازمان هایی کار می کنند که زیرساخت های مدیریتی بهتری دارند** و کسب و کاری که نظام مدیریتی آن متحول نشده و در حال حاضر به صورت سنتی اداره می شود، نمی تواند در جنگ و شکار استعدادها موفق شود و حتما رقا در جذب بهترین ها از آنها پیشی می گیرند.

در ضمن در برخی از سازمان ها مشاهده کردیم که مدیر ارشد به سبب اعتمادش به یکی از مدیران میانی، خیلی از ابزارهای تصمیم گیری رو در اختیارش می گذارد و الان با این حال که می داند ایشان هم اشتباهات مهلکی را انجام می دهد، نمی تواند ایشان را کنار گذاشته و یا حداقل بخشی از اختیارات را از ایشان پس بگیرد.

نیروهای انسانی شایسته در سازمان هایی کار می کنند که زیر ساخت های مدیریتی بهتری دارند



GazelleCG.com

۷. پیشبرد اهداف توسعه ای تک بعدی

هفتمین چالشی که اغلب مدیران کسب و کار در ایران با آن روبرو هستند، این است که **اهداف توسعه ای فقط در ذهن مدیران نقش بسته و آنها هستند که برنامه های توسعه رو شخصا دنبال می کنند**. در واقع برنامه ریزی مدونی برای توسعه وجود



ندارد و یا اگر هم وجود دارد، کل سازمان برای به نتیجه رساندن آن درگیر نیست. این اتفاق باعث می شود که یک مدیر به تنهایی، هم در اجرای امور روزمره درگیر باشد و از طرفی برای توسعه کسب و کارش شخصاً آستین بالا بزند.

۸. نداشتن اطلاعات و داده های درست

رسیده به هشتمین چالش؛ هشتمین چالش این مدیران این است که وقتی یک بحران، تهدید و حتی فرصتی در بازار به وجود می آید، این مدیران نمی توانند به موقع اقدام کنند. دلیل این هم خیلی ساده است چون به اندازه کافی داده های درستی در اختیار ندارند که بتوانند بر اساس آن، تصمیمات فوری بگیرند و در مواقع بحران، خیلی دیر متوجه علت و یا علت های اصلی می شوند و معمولاً زمانی داستان رو می فهمند که واقعا کار از کار گذشته است.

۹. نداشتن برنامه استراتژیک

آخرین چالش این است که مدیران در وسط راه، اهداف اصلی خودشان را گم می کنند. آنها آن قدر درگیر کارهای روزمره و حل مشکلات سازمان می شوند که کلاً متوجه نیستند که قرار بود کسب و کارشان به کدام جهت حرکت کند و در مقطعی کاملاً سردرگم می شوند.

خبر بد این است که اغلب مدیران ایرانی در سازمان هایشان کم و بیش با برخی از این مسائل روبرو هستند و خبر خوب این است که برای همه این چالش ها راه حلی عملی و آزمایش شده وجود دارد.

پیشنهاد می کنیم برای پیروز شدن و حل همه این چالش ها با راهکار جامع سازمانی مدیریت هوشمند

استراتژیک (SSM) آشنا شوید.